

گستره اخلاق و سیاست در اساطیر شاهنامه فردوسی و ایللیاد و ادیسه هومر

تاریخ دریافت مقاله: اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش مقاله: خرداد ۱۴۰۰

سعدالله رحیمی^۱، کبری رحیمی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان

^۲ کارشناس ارشد، مطالعات زنان، بافت

نویسنده مسئول:

سعدالله رحیمی

چکیده

آشنایی با اخلاق و سیاست شاهان و پهلوانان شاهنامه فردوسی، راه گرایش به مهرورزی و خرد را از نیاکان به آیندگان هموار می کند. در شاهنامه وفاداری، اخلاق و علم، احترام به انسان ها، آگاهی، مشارکت عمومی عامل انسجام است. در ایللیاد و ادیسه، هومر به طور کلی تقدیر گرای محض است. شاهنامه بر یکتاپرستی ولی در آثار هومر خدایان متعدد حضور دارند. واژه ها در آثار هومر به لحاظ شخصی دیده می شود. احترام خانواده در حد ستایش خوشبختی است. جامعه باستان خانواده به دنبال شأن و شرف و افتخار است. اشعار هومر در وصف جامعه، با طبقه متوسط در حد ستایش است و نسبت به بی عدالتی سکوت می کند. در حوزه عمومی ایللیاد و ادیسه دولت مسئولیتی برای دفاع ندارد، خانواده دفاع مجموعه خود را بر عهده دارد. زن در شاهنامه با اخلاق خوش و استقلال فکری جدا از مردان با عملکردی کاربردی عمل می کند. مشاور و رزمنده و هم مهیاگر ستون روحی جسمی مردان است و در حماسه هومر چندان استقلال ندارد. حضور بانوخدایان در روند حوادث نبرد ده ساله تروا به وفور دیده می شود. زیبایی و مزایای اخلاقی چون خردمندی، هنروری، نژادگی، پاک منشی زن شاهنامه را از ایللیاد متمایز می کند. گستره اخلاق و سیاست اساطیر شاهنامه و ایللیاد و ادیسه ممیزه ای در هم تنیده از فرهنگ ملل است. پیام هومر این است که جنگ بد است. جهان با معیارهای انسانی هدیه نسلی به نسل دیگر است. زندگی سالم، ارزش درگیری ذهنی و فیزیکی بدون نتیجه مثبت را ندارد. دو ترجمه نثر آثار هومر، یکی را سعید نفیسی در نشر علمی، فرهنگی و دیگری را میرجلال الدین کزازی در نشر مرکز منتشر کرده اند. اثر منظوم از آثار هومر به وسیله تقی سائس فرخ، به همت نشر هلتاک انجام شده است.

کلمات کلیدی: فردوسی، هومر، اخلاق، سیاست، اساطیر.

مقدمه

چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی گناهان نیارد گزند (فردوسی، ۱۳۸۱: ۲۲۸، ب ۴۶۲). اخلاق سرشتی است که به اندازه وجود آدم قدمت دارد و در پرورده اساطیر راهنمای کمک به سیاست راستین محسوب می شود. اخلاق، از والاترین گرایش های آدمی است که شکوه و عظمت وجود آدمی را در عالی ترین شکل اساطیری و حماسی آن آشکار می کند. « حماسه های ملی ایران و در راس آن ها شاهنامه سرگذشت پر فراز و نشیب ایران است، در اندیشه ایرانی، آن گونه که بوده است یا می خواسته که بوده باشد. چنین آثار سترگی، بایسته است که از هر دیدگاه و جنبه ای مورد بررسی قرار بگیرند » (پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، ۱۳۸۷، شماره ۴). یکی از این جنبه های تاثیرگذار اساطیر و حماسه ها، اخلاق و سیاست است. اخلاق و سیاست نماد پویایی مردم داناست، که اسطوره ها را از درون متن ها بیدار می سازد. اسطوره شناسی علمی است که به بررسی روابط میان باورهای کهن مردم و جایگاه این پندارها و کاربرد آنها تا زمان امروز می پردازد. اسطوره ها انعکاس و بازتابی از افکار مردمان گذشته می باشند که نماد و سمبل شده اند ولی، در دوران قدیم واقعیت داشته و به مرور به کمک زبان به موجودات مافوق طبیعی دگرگون شده اند. در حماسه سرایی در ایران، از خصائص فنی شاهنامه فردوسی شامل: « تکرار و تقلید، متناقضات، وصف، جنگ و لشکرکشی، پهلوانان، شاهان و شاهزادگان، انتقام، خوارق عادت، زمان و مکان، عشق، جادوی و جادوان، پیشگویی، رمز پیروزی و شکست ملل و اقوام » (صفا، ۱۳۹۰: ۲۳۷) جهت تدوین و تکوین روحیه رهروان راه دانایی و دانش افزایی مردمان نیک سرشت سرزمین ایران یاد شده است. بدین سبب است، که فردوسی دین و سیاست را از هم جدا و اجرای صحیح آن دو را در کشورداری الزامی می داند و یادآور می شود که پادشاه بی دین شایستگی دریافت آفرین را ندارد. « هر خوبی و بدی ولو بسیار اندک، پاداش و عقوبتی حتمی دارد، بدین روی سرمایه عمر هر انسانی عمل صالح است، پیشه اش تقوا و در نتیجه بر پستی ها چیره و بر قدرت ها و جذابیت های کاذب فائق و بر باطل غالب است » (رزمجو، ۱۳۶۸: ۳۰). همین خصیصه هاست که سبب می شود، فردوسی از اخلاق و سیاست ملل و اقوامی که در شاهنامه نام برده می شوند مانند ایران، توران، روم، هند، چین، تازیان بگوید و هومر نیز، از اقوامی مانند یونانی، تروایی، آرگوس، میسن، تلامون، فیلاسه، متون، آرژیس، آرکادی، لاسدمون حرف بزند. همه این شاخص ها برگرفته از دوران اسطوره ای و حماسی باستان ایران و یونان اند که حکایت و روایت از اخلاق و سیاست و خلق و خوی و عادت ها و آداب و رسوم رفتار و کردار مردم خوب و شاهان بنام و پهلوانان بی باک دارند. پس، بزرگی اسطوره ساز به کیفیت دوران زنده بودنش بستگی دارد. هومر می گوید: « کسی که در یک چیز دو بار غلط کند، حکیم نیست » (ایلپاد و ادیسه، ۱۳۹۰: ۶۳۷). الیاده مدعی است که بقایای اساطیر در فرهنگ مدرن وجود دارد. همین که امروز مردم در پی آند تا ثابت کنند که دودمان آنها به گذشته ای دور باز می گردد و یا غربیان برای اثبات استواری خاستگاه خویش، روم و یونان را انگاره و الگو قرار می دهند، خود حکایت از گرایش اساطیری آنها دارد. حتی، می توان گفت افسانه ای شدن شخصیت ها به وسیله رسانه های همگانی و مبدل شدن آنها به صورت های مثالی، خود نشان از گرایش های اساطیری مردم دارد. بت وارگی اشیای تجملی و پرستیدن آن ها ریشه در همین رویکرد دارد. افسانه ای شدن چهره ها و تقدیس آنها از سوی هزاران هواخواه و به جای آوردن مناسک خاص جهت ستایش آنها ریشه در همین معنا دارد. « ضیمران، ۱۳۸۹: ۲۳).

هنر جوی و با مرد دانا نشین / چو خواهی که یابی ز بخت آفرین (کزازی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۴۵۹۷). « پدیده های دگرگونی چهره با تغییر شکل موجودات، یکی او ویژگی های مهم اساطیری ملت های کهن و از عوامل اصلی شگفت انگیزی اسطوره هاست، که سه عامل عمده یعنی، نیروهای فوق طبیعی، موجودات خارق العاده و عناصر شگفت انگیز دخالت دارند » (منصور رستگار فسایی، ۱۳۸۸: ۲۳). « اسطوره ها همیشه به یک حال باقی نمی مانند، بلکه، با گذر زمان، برخی از آن ها با شکل جدیدتر به صورت داستان های حماسی نمودار می شوند. در این تغییر و تبدیل دگرگونی هایی در داستان اسطوره ای صورت می پذیرد. دلایل گوناگونی برای تبدیل اسطوره به حماسه وجود دارد و داستان ها در طی تحول خود به جا به جایی، شکستگی، قلب، حذف و موارد دیگر دچار می گردند » (ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال نهم، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۳۳). توجه به ادبیات تطبیقی و بخش اسطوره شناسی، حرکتی جهش نثر فرهنگ و ادب و اخلاق در روند رو به رشد مردم هر سرزمین است که خود خواهان آن می باشند. اسطوره و حماسه در زندگی مفاهیمی مانند آفرینش، خرد، شجاعت، درایت، عشق، مرگ و باور به منجی یگانه را در پیکره دانایان فرهنگی که به وحدت نیاز دارند، پرورده می سازد و از خصایصی چون هراس و بدبینی، دیرباوری به پیروزی و بداخلاقی باز می دارد و انسان را به تفکر ساختن تمدن انسانیت برمی انگیزد. در ساختن تمدن انسانیت توجه به فرهنگ های

ناآشنا نیز، لازم است. از این رو، نگاه به بعد اخلاق و سیاست دو تمدن باستانی ایران و یونان، هر کدام ثمرات خود را برملا می‌سازد، و پیام را به کاوشگر می‌دهد. هومر از مرگ به بدی یاد می‌کند، از این سبب، فرجام منظومه ایللیاد را با یاد سوکواری برای هکتور به پایان می‌رساند، تا تفهیم کند: جنگ بد است، و خویشتن داری برجسته‌ترین فضیلت انسانی است. هومر در منظومه ادیسه پشتکار و همفکری و همکاری مردم به یکدیگر را آموزش می‌دهد. او در این امر ورجاوند، باور به بازگشت راه، که می‌تواند دل‌بستگی‌های ذاتی را در انسان پرورش دهد، یاد می‌دهد، و قهرمان و پهلوان اول خود را، در قاب و قالب نام اولیس، شادمانه به رزم دشواری‌های می‌نشانند، تا انسان از شداید هراس نپذیرد. شاهنامه فردوسی که ناشر زبان و ادبیات فارسی و اخلاق بهینه و سیاست متعادل شاهان است، نگاهی از استقلال سرزمین ایران را ترویج می‌دهد. کاربرد و کارآیی اساطیر و حماسه‌های باستان در دنیای ذهن و زبان نوجوانان و جوانان امروز سرزمین دلاورخیز ایران که با سیاست مبتکرانه خود به ترویج صفت و خصلت‌های ارزشمند اخلاقی پربار قهرمانان خود می‌پردازد، مملو از مهربانی و مهرورزی و پاکدامنی است که راستی و درستی را ترویج می‌کند. پس فقط نام بردن از یک یا چند تن از اسطوره‌سازان و حماسه‌آفرینان این سرزمین دیرینه بنام کافی نیست، باید از همه سلحشوران شادی‌آفرین و پاسدارنده ریاست و کیاست ایرانیان بر گستره جهان باستان خبر و نشانی داد و خصوصیات باورمند آنان را در مراکز علمی و پژوهشی تعلیم و تربیت عمومی به روزرسانی نمود که نخست اثر آن، حفظ استقلال میهن و روحیه ایستادگی و پرورش فکر را دربردارد. ایجاد طرح شاهنامه خوانی در مدارس جنبه همگانی پیدا کند و نمادسازی آن از طریق رسانه ملی کمک‌کننده باشد. انگیزه‌های جمعی و مدارا با روش سیاسی و اخلاقی به نوع تفکر افراد وابسته است. زن و مرد اگرچه در آفرینش برابرند، ولی زن فرهیخته می‌داند آفرینش زن و مرد دوسرشت خاص و خویشکاری خاص خود را دارند و از هم متمایزند. زن ایرانی پاک‌سرشت، سرشت ذاتی خود را می‌پذیرد و اجازه نمی‌دهد از سوی مردی که دنبال قدرت هست مورد امتیازگیری و بهره‌وری سیاسی قرار گیرد. زن بااخلاق و نیک‌اندیش ایرانی روند رو به رشد و پیشرفت خود را که در اساطیر از آن به کنیزی یاد شده، و به شایستگی کنونی رسانده، ارتقاء می‌دهد. زن و مردی که بنا به اظهار آفرینش تباری یکتا و یگانه دارند، از تفکر اخلاقی نشسته بر دامن شاهنامه می‌آموزند در برابر هجوم فرهنگی و اخلاق و سیاست بیگانه مقاوم باشند و شایستگی خود را بروز کنند. اگر اسطوره‌ها و رویدادهای حماسه، آرمان‌ها و آرزوهای بزرگ مردم را در زمینه‌های مذهبی، اخلاقی و اجتماعی و رده سیاسی نشان می‌دهند و عقاید کلی ملت را درباره مسایل اصلی انسانی مانند آفرینش، زندگی، مرگ و جز آن بیان می‌دارند، پس زنان هم شریک هستند. ولی، شریک و همراه بودن زن در شاهنامه فردوسی متفاوت از دخالت ایزد بانوان و الهه‌ها و خدمتگران باوفای خانواده اولیس، در آثار هومر است. در آثار هومر، هیچگاه زن به واسطه مزایا و فضایل اخلاقی در کانون توجه قرار نمی‌گیرد و هرچه هست، همان زیبایی‌ظاهر اوست. دخالت بانوخدایان در روند حوادث نبرد ده ساله تروا به وفور دیده می‌شود. آفرودیت الهه، پاریس را که در رزم تن به تن با منلاس کم آورده است، می‌رهاند، و یکبار در لباس پیرزنی، هلن و پاریس را به هم می‌رساند. او از آگاممنون می‌خواهد که یونانیان را از بازگشت به وطن باز دارد. به تئیس الهه که مادر آخیلوس است، می‌آموزد که او را در لباس زنانه به نزد پادشاه سیروس بفرستد و از کارزار دور کند. وقتی آگاممنون قصد می‌کند دخترش ایفیونی را قربانی کند تا خشم خدایان فرونشیند، آرتیمیس دختر را می‌رباید و گوزنی ماده به جای او می‌گذارد. در ادیسه، تلماک به راهنمایی مینرو موفق می‌شود، خواستگاران مادرش را عقب بنشانند. در ادیسه انگیزه تصاحب پنلوپ برای مال اندوزی نیست، چه هر کس در نهایت بتواند پنلوپ را به چنگ آورد، باید معادل با صد ثروتمند به عروس پول بدهد. قتل دوازده خدمتکار در پایان حماسه ادیسه، نشان می‌دهد که زنان خدمتگر نیز، در کار ناروا دست دارند، و باید مجازات شوند. زن در ایللیاد و ادیسه، به عنوان کنیز یا به عنوان قربانی و پیشکش حضور دارد. در ادیسه، اولیس در جزیره سخریا با زنی جادوگر مواجه می‌شود که آدمیان را به جانور بدل می‌کند. دخترانی اهریمنی به نام سیرن‌ها هم در این حماسه حضور دارند که با آواز فریبنده خود، آدمیان را مسخ می‌کنند. بانو خدایان یونانی نقشی همه‌جانبه در حماسه‌های هومر دارند، به گونه‌ای که عرصه را برای حضور زنان زمینی تنگ می‌کنند، ولی، در شاهنامه فردوسی، از الهگان ایران باستان خبری نیست و نام برخی از این ایزدبانوان از جمله آناهیتا یا ناهید و اسپندارمذ یاد می‌شوند. زن در حماسه شاهنامه هم از دید کیفی و هم از دید کمی نقش دارد. تنوع و تعدد نقش آفرینی زن در حماسه زیاد است. شهرنواز و ارنواز در داستان جمشید و ضحاک، بانوی بیشه و سودابه در داستان سیاوش، فرنگیس و جریره، همای و به آفرید خواهران اسفندیار در داستان دژ رویین، منش انسانی دارند، تنها سودابه است که در نقشی منفی پدیدار می‌گردد. زن در شاهنامه به خاطر اخلاق خوش و استقلال فکری، عملکردی جداگانه از مردان دارد و کاربردی عمل می‌کند. رودابه می‌داند خانواده اش با زال میانه خوبی ندارد، ولی بر دلدادگی اش به زال اصرار می‌ورزد. همین‌طور، تهمینه با جسارت خود

را به رستم معرفی می کند و دوست دارد از او پسری نام آور و برومند پرورش داده شود. کتابیون، در خواب به گشتاسب دل می بندد و او را به همسری برمی گزیند. افتخاری که از انگیزه و عملکرد زن در شاهنامه به دست می آید، و بر شأن او می افزاید و بزرگان را وادار می سازد به مشورت و راهنمایی او صحنه بگذارند، از پاکدامنی و درایت اوست. جسارت و رزم آوری گردآفرید در مواجهه با سهراب، که او را شیفته خود می سازد، از جایگاه قدرت کتابیون که در دربار گشتاسب دارد و اسفندیار را وادار به حمایت از او می کند، کم ندارد. ماجرای بیژن و منیژه، که شباهت هایی به ماجرای هلم و پاریس دارد، تفاوت نگرش اسطوره ای و حماسی مادی و معنوی زن شاهنامه فردوسی و ایلیاد هومر را به یاد می آورد. فرنگیس که کیخسرو را در وجود خویش از سیاوش پرورده می سازد، عملکرد مستقل و ایفای نقش زن را در زندگی شهپانوان و شاهدخت ها، در عین گمنامی و اخلاق مداری جار می زند. مردم هر کشوری در فرامرز از طریق فرهنگ ملی خود آموزش اعتماد سازی می دهند که از سوی فرهنگ ملی بهترین دستاورد نمادهای اساطیری و حماسی دوران باستان است. آمادگی برای نحوه زندگی جامعه امروز که اخلاق و سیاست راستین را که از طریق فیلم، تلویزیون، مطبوعات و فضای مجازی ارائه می شود، به گونه ای بهینه سازی کنند که بر توانایی افراد بیفزاید، تا مردم از این امکانات ترویج دهنده مبانی اخلاقی و سیاسی لذت ببرند. ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی در خوب آموختن آن مستحکم می شود. استقبال از مفاهیم خوب جهان از راه ترجمه درست سازنده است. ساختار برنامه ریزی آموزش و تفهیم عمیق و جدی سهم زیادی در بهینه سازی دستاوردهای اساطیری دارد. شیوایی و رسایی و میانه روی در دانش و ادب از کمک گرفتن شاهنامه مفید خواهد بود. توجه به تفاوت دوره زمانی و مکانی شاهنامه فردوسی و ایلیاد و ادیسه هومر که حرف های مشترک دارند، گوهر انسانی را آشکار می کند و سرفرازی و برومندی مردان و زنان دیار ایرانی را همچنان که هومر می گوید در بازگشت و نگاه به گذشته است که آینده پی ریزی می شود، جای تأمل دارد. دقت و توجه در به کارگیری واژه های بیگانه که مفهوم عدالت و آزادی و حقوق افراد را در نوع فرهنگ خود به دیگران تزریق می کنند، از اهمیت برخوردار است که زیر نظر مصلحان و صاحبان اندیشه در عالم عمل تبیین درست شود. کارهای سیاسی و اخلاقی که در کنش های میانه روی و شکیبایی که در اسطوره ها و حماسه های سرزمین گسترده ایران وجود داشته است، چنانچه با سازش در نظم و مقررات امروز که همانا پذیرش و فرمان پذیری از قانون رایج رسمی کشور است، دنبال شود، از گسستگی تفکرات فرهنگی مردم به خصوص جوانان می کاهد. ویژگی های سیاسی و اخلاقی مردم دوران باستان را الگو قرار دادن و از مرحله حرف پا به مرحله اجرا گذاشتن، کاری چندان دشوار نمی نماید، زیرا صادق بودن با جوانان سبب تقویت فرهنگ اخلاقی و مقاوم سازی تفکر آنان می شود و آنان را در صحنه آماده نگه می دارد. شاهنامه آموزش می دهد که استقامت و پایداری در برابر بیگانه سرفرازی به بار می آورد. از این رو، مشکل هایی که بیگانه به وجود می آورد، توان آن را ندارد که به زبان و ادب فارسی آسیبی برساند، پس بسنده کردن به زبان و ادبیات فارسی می تواند نیازهای جهان امروز فارسی زبانان را جوابگو باشد؛ هر چند که دور شدن و یا بریدن از زبان های جهانی شایسته زبان و ادبیات فارسی توانمند فارسی زبانان نیست. متخصصان و کاربران مصلح نشر تعالیم اخلاق و سیاست جهان اعتراف دارند و می گویند وقتی با زبان فارسی آشنا می شوند از آن لذت می برند، پس این زبان شایستگی آن را دارد که برای ترجمه آن زحمت کشید و این زبان شیرین گفتار را به نحو خوب و رسایی در پهنه جهان آموزش داد. از دامنه فراقینی حوزه گردشگری کشور آشکار است که مردم بیشتر کشورهای جهان خواهان دیدار ایران و آشنایی با این سرزمین کهن هستند. توجه به استفاده کنندگان زبان و ادبیات فرامرزی، شعار هر سفارت خانه یک کلاس شاهنامه خوانی می طلبد را تجویز می کند تا مردمانی که می خواهند بدانند، چرا این عرصه پهناور با وجود بیرحمی ها و تاخت و تازهای بی شمار بر خلاف بسیاری از اقلیم های دیگر دوام و بقای خود را محفوظ داشته و سربلند مانده است، به جواب پرسش خود برسند. احیای آیین های رسمی روزگار کهن که شادی آفرین بودند و بد اخلاقی را ناروا و زشت می دانستند، نشان می دهد که این زبان فارسی بود که مهاجمان تازنده به این سرزمین را شیفته خود ساخت و کانون خشم آنان را رام کرد. ساختار اساطیری و پهلوانی و تاریخی شاهنامه فردوسی سرگذشت سرزمین کهن ایران است که ماجرای دلیری و نبرد شاهان و پهلوانان را آشکار می سازد. پژوهشگران امروز وامدار کوشش کنندگان با همت گذشته هستند، امانتداری کنند و به حوزه تاریخ، مردم شناسی، باستان شناسی، کتاب شناسی، کتابداری و اطلاع رسانی اهمیت دهند. از هجوم نامناسب واژه های ناآشنا جلوگیری شود و برنامه ریزان سیاسی و باخلاق اجازه نشر تابلوهای عمومی سردرها و مکان های سطح زندگی را که به زبان ناآشناست، کاهش دهند. حداقل کمکی که در این ساختار به زبان فارسی می شود انجام داد این باشد که در زیر تابلوهای زبان ناآشنا، ترجمه دقیق فارسی آن حک شود. سهل انگاری در نهادهای فرهنگی هیچ کجای جهان طرفدار ندارد و این در درست به کار گیری املائی کلمه ها وظیفه ایجاد می کند. قصه گوئی، نقالی و روایت گری روشی مناسب

برای گسترش فهم و دانش افزایشی نوجوانان و جوانان کشور است که مترجمان و نویسندگان و شاعران و استادان فن و هنر زندگی در توانایی خود به کار می‌گیرند که ثمره آن در کارهای تدریس و تحقیق و ترجمه تطبیقی ملل دیگر با آثار کهن مناسب می‌شود. اگر تکیه گاه قلم مفاخر ایران اعتماد در هر دوره ای به جوانان بوده است، این روند اخلاقی و سیاسی حفظ شود که مهمترین راه برای وحدت و کمال جویی کاربران آینده خواهد بود. آمال و آرزویی است که از اساطیر باستان سلسله وار تداوم پیدا کرده تا به امروزیان و آیندگان با حفظ امانت سپرده می‌شود.

متن

شاخص گستره اخلاق و سیاست در پهن دشت اساطیر شاهنامه فردوسی و ایللیاد و ادیسه هومر

موضوع	شاخص
اسطوره و حماسه	اسطوره‌ها انعکاس و بازتابی از افکار مردمان گذشته می‌باشند. حماسه و اسطوره‌های حماسی درسی برای نبرد و مقاومت و خستگی ناپذیری است. علمی است که به بررسی روابط میان باورهای کهن مردم و جایگاه آن می‌پردازد. در جوامع کهن، اسطوره‌ها حالت دین را داشته‌اند. اسطوره‌ها تعیین زمان معین ندارند. اسطوره‌ها پس از گذر زمان به مرور به حماسه تبدیل گشته‌اند. باورهای دینی انسان نخستین از اسطوره‌ها آغاز می‌گردد. اسطوره‌ها تا زمانی که با زندگی محسوس و عملی جامعه خود، ارتباط داشته باشند در میان توده مردم حیات دارند. منابعی برای شناخت دنیای کهن هستند. دارای ارزش‌های اخلاقی و روانشناختی هستند. به پهلوانان خود شجاعت و به شاهان کرامت بخشیده‌اند. اسطوره‌ها و رویدادهای حماسه، آرمان‌ها و آرزوهای بزرگ مردم را در زمینه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی و رده سیاسی نشان می‌دهند. اسطوره‌ها و رویدادهای حماسه، آرمان‌ها و آرزوهای بزرگ مردم را در زمینه‌های مذهبی، اخلاقی و اجتماعی و رده سیاسی نشان می‌دهند. اساطیر روحیه‌های جمعی و آرمان‌های انسان ایرانی را در طول روزگار مستمر با خود دارند. اساطیر ایرانی تصویری از جوهره ایرانی بودن، انسان ماندن، سرافراز و پرافتخار زیستن و مقابله با بحران‌ها و مشکلات حیات ارائه می‌دهند. اسطوره‌ها آفرینش، زندگی، مرگ و جز آن بیان می‌دارند. بقایای اساطیر در فرهنگ مدرن وجود دارد. ادبیات ملی سبب بالندگی و شکوفایی تطبیق در بخش اخلاق و سیاست و پیوندهای ادبی ملت‌های گوناگون است.
اخلاق در شاهنامه	وفاداری به سرزمین و شاه کشور، وفاداری به عهد و پیمان، وفاداری به کانون گرم خانوادگی، وفاداری به سرزمین و شاه کشور، وفاداری به عهد و پیمان، وفاداری به کانون گرم خانوادگی، خوشرفتاری و داد و دادگری، خیر و خوبی، شایستگی، وحدت میان یکدیگر، پذیرش امور اخلاقی و علمی، احترام برای حقوق و شأن و منزلت انسان‌ها، قبول تعهد اجتماعی، نهادینه سازی سخن و نیز، ویژگی‌هایی چون همکاری، اعتماد، آگاهی، مشارکت در مسائل عمومی، انسجام، تحمل دیگری و نداشتن حس خودخواهی. ننگ دانستن کارهای شرارت آمیز.
اخلاق در ایللیاد و ادیسه	هومر به طور کلی تقدیر گرای محض است. ایللیاد و ادیسه غیر از جنبه ایدئولوژی به باور اعتقاد دینی کمک می‌کند. در آثار هومر، دین خدایان زئوسی، بنیانگذار ندارد و معلمی الهام بخش نیست که خاستگاه محبوب دین‌های موجود در جهان باشد. با فضیلت‌ترین مردم در حماسه هومر، کسانی می‌باشند که در صحنه کارزار دخالت دارند. در حماسه ادیسه، صفاتی مانند: بلوغ شخصیت، توانایی تحمل درد و رنج زندگی، اطاعت در مقابل خدایان، تیزهوشی، خیال پردازی و احساس مسئولیت دیده می‌شوند. در حماسه ادیسه، صفاتی مانند: بلوغ شخصیت، توانایی تحمل درد و رنج زندگی، اطاعت در مقابل خدایان، تیزهوشی، خیال پردازی و احساس مسئولیت دیده می‌شوند.
سیاست در شاهنامه	سیاست در باره بنیادها و اصول حکومت بحث می‌کند. سیاست حوزه آزادی جامعه و عرصه آفرینشی است که در آن پیشرفت و توسعه از طریق معنا و اراده پدید می‌آید. وفاداری به سرزمین و شاه کشور، وفاداری به عهد و پیمان، قبول تعهد اجتماعی. مشارکت در مسائل

<p>سرزمینی. خودداری از غارت اموال دیگران. تمایل نداشتن به تاراج شهرها و روستاها. شاهنامه بیانگر نبرد نیروهای داد با بیداد، و نبرد خرد با جهل و فرجام روح نمادین نبرد ایرانی است. آگاهی از کسب استقلال در برابر ملل مهاجم.</p>	
<p>سیاست حوزه آزادی جامعه و عرصه آفرینشی است که در آن پیشرفت و توسعه از طریق معنا و اراده پدید می آید. ایلیاد و ادیسه در هنر و ادبیات یونان تاثیر گذار بوده اند. سیاست مال اندوزانه شاهان سرزمین جنگ زده یونان. چپاول اموال دیگران، تاراج شهرها و روستاها. ادبیات حماسی هومر به تاکتیک، عقاید دین باوری و طرز فکر فرماندهان وابسته دانسته شده است. سیاست های حيله گرانه یونانی ها در ایلیاد هم از طرف خدایان و الهه ها و هم از طرف شاهان پهلوانانی چون آخیلوس و آگاممنون و اولیس کاربرد دارد. نیرنگ زیرکانه در ادیسه، از قبل در ایلیاد هم وجود داشته است. فرهنگ یونان وسعت فکری و آزادی را برای پیوند دادن خدایان مناسب با هر کارکرد مذهبی که به عنوان یک مردم لازم داشتند، فراهم می کند. هومر جهان را با استفاده از شور و هیجان خدایان تعبیر می کند تا عوامل تعیین کننده آنچه در سطح انسان اتفاق از طرف خدایان باشد. پهلوانان یونانی در وصف دلآوری های خود، انگیزه خویش را از همه نبردهایشان دستیابی به زنان و غنیمت جنگی عنوان می کنند. آداب و رسوم، همکاری، خصوصیات هر ناحیه، شغل ها، آلات و ابزار و سلاح های کاربردی که حافظ جان و سلامت زندگی آنان است، در تهیه آذوقه و در دفاع از خویشان، بروز و ظهور دارند.</p>	<p>سیاست در ایلیاد و ادیسه</p>
<p>نخستین شباهت میان گفتار آثار فردوسی و هومر، واژه جنگ است. فرجام جنگ در هر دو اثر ناکامی است. یکی از انگیزه های هر دو جنگ، زن است. شباهت مهم این است که در هر دو منظومه از جنگ به بدی یاد شده است. نوع اثرگذاری ایلیاد و ادیسه در نوشته های بعد از خود، از گونه نفوذ کلام فردوسی در آثار پیروان اوست. وفاداری به سرزمین و شاه کشور، وفاداری به عهد و پیمان، وفاداری به کانون گرم خانوادگی است. ماجراهایی که شبیه خان هایی که پهلوانان ایران دارند برای اولیس هم که دارای سیاست هزار چاره گری است، پیش می آید. هومر مانند فردوسی برای خانواده احترام قائل است و خانواده را می ستاید. در مکتب هومر خانواده بنیان رفاه جامعه و خوشبختی است. در جامعه باستان خانواده به دنبال شأن و شرف و افتخار است. مادر حرمت والا دارد، به این دلیل که پسران خوب می زاید. برای همه شاهان و پهلوانان اسطوره ای و حماسی یک اشتراک متعالی اخلاقی و تربیتی باقی است که همانا تربیت فرزند برومند و شایسته است. فردوسی از احترام انسان به انسان سخن می گوید، و هومر از حرمت نگه داشتن فرزند نسبت به پدر و مادر با فردوسی همصداست:</p> <p>به پیریت بخشیدم ای نامدار دو بارت امان دادم از کارزار</p> <p>هومر در اسطوره یاد می دهد: « کسی که در یک چیز دو بار غلط کند، حکیم نیست. » (ایلیاد و ادیسه، ۱۳۹۰: ۶۳۷) توجه به واقعیاتی که ویژگی های اخلاقی نظام اجتماعی، زندگی روزمره و عقاید هر جامعه را در مسائل فکری و اخلاقی در برمی گیرند. عناصر ساختاری جنگی، که از لوازم لاینفک اسطوره و حماسه می باشد، در وجیزه آمده است. ویژگی های ادبی مانند پیرنگ، رجز خوانی، طرح جنگی، کشمکش، گره افکنی و گره گشایی، بحران، اوج واقعه از نکته های مشترک است. فریب و نیرنگ با وجود بار منفی، در دو حماسه مشترک است. در آثار فردوسی و هومر از فرهنگ مشترک استفاده شده است، مانند: قهرمانان، انسان های باقدردت و ماورائی و غول ها. سرشت بشر در هر جایگاه زمانی و مکانی که باشد یعنی ایران و یونان همانند است. وفاداری به سرزمین و شاه، وفاداری به عهد و پیمان، وفاداری به کانون پر مهر و محبت خانواده، خوشرفتاری، دادگری. پرستاری دایگان و کنیزان در همراهی زنان خردمند وجود دارد. وفاداری بزرگترین صفت مشخصه برای زن در دو اثر تطبیقی است.</p>	<p>ابعاد مشترک شاهنامه و ایلیاد و ادیسه (شاهان و پهلوانان و مردم)</p>
<p>شاهنامه بر پایه یکتاپرستی بنا شده است و در آثار هومر خدایان متعدد حضور دارند. علل تفاوت اخلاق و سیاست و آیین را می توان به فاصله زمانی میان آثار و نویسندگان این آثار و فاصله</p>	<p>ابعاد دگرسان شاهنامه و</p>

<p>مکانی نسبت داد. بر خلاف سیاست مال اندوزانه شاهان سرزمین جنگ زده یونان، شاهان ایرانی هیچگاه به قصد چپاول اموال دیگران دست به لشکرکشی نمی زدند، و به تاراج شهرها و روستاها نمی پردازند و اهالی را به بردگی نمی برند. انگیزه جنگ یکسان نیست. در مواردی چون خیر و خوبی، شایستگی، وحدت میان یکدیگر، پذیرش امور اخلاقی و علمی، احترام برای حقوق و شأن و منزلت انسانها، قبول تعهد اجتماعی، نهادینه سازی سخن و نیز، ویژگی هایی چون همکاری، اعتماد، آگاهی، مشارکت در مسائل عمومی، انسجام، تحمل دیگری و نداشتن حس خودخواهی، و بهره وری از گفتار و کردار پیشینیان که جنبه اخلاقی و سیاسی دارد، در شاهنامه فردوسی و ایلید و ادیسه، سفارش شده است ولی در میان جامعه خدایان و الهه ها و پهلوانان تفاوت هایی نیز دیده می شود. زنان در حماسه ایران به مراتب از جایگاه اخلاقی و عملی و سیاسی برتری برخوردارند و بیشتر به عنوان زنان تأثیرگذار به شمار می آیند. زمین، دریا، کوه ها، رودخانه ها، قانون، عرف، و سهم فرد در جامعه و کالاهای آن، همه در آثار هومر به لحاظ شخصی دیده می شود. یونانیان باستان همه جنبه های اخلاقی و سیاسی و فرهنگی و تجربه های خود را در دین شخصی می کردند. اشعار هومر در وصف جامعه، در وصف طبقه متوسطی است که همیشه آنها را ستایش می کند. هومر طبقه حاکم را می ستاید و نسبت به بی عدالتی سکوت می کند. در حوزه عمومی ایلید و ادیسه دولت مسئولیتی برای دفاع ندارد، هر خانواده دفاع از مجموعه خود را برعهده دارد. کار در حماسه هومر جنگ است. دخالت بانوخدایان در روند حوادث نبرد ده ساله تروا به وفور دیده می شود. بانوخدایان عرصه را برای حضور زنان زمینی تنگ می کنند. زن در شاهنامه به خاطر اخلاق خوش و استقلال فکری، عملکردی جداگانه از مردان دارد و کاربردی عمل می کند. زن در حماسه هومر چندان استقلال ندارد و همواره از دستی به دستی دیگر در گردش است، یا به عنوان کنیز یا به عنوان قربانی و پیشکش جا به جا می شود. توجه به زیبایی ظاهری، محاسن و مزایای اخلاقی چون خردمندی، هنروری، نژادگی، پاک منشی زن شاهنامه را از ایلید متمایز می کند. زن در شاهنامه هم مشاور و هم رزمنده و هم مهیاگر ستون روحی و جسمی مردان خود است.</p>	<p>ایلید و ادیسه (شاهان و پهلوانان و مردم)</p>
--	---

نتیجه گیری

تطبیق پهنه بخش اساطیری و حماسی شاهنامه فردوسی، آغاز ستایش و پیدایی اخلاق و سیاست پاک شاهان و پهلوانان ایران است، که برتری خود را بر سیاست فرماندهان و ایزد خدایان و ایزدبانوان و الهه های اثر هومر، نشان می دهد. این برتری را در پندار و گفتار و کردار همه پهلوانان سرزمین ایران، به ویژه، رستم، که نماد و الگوی درستی و راستی و تندرستی نزد ایرانیان بوده است، رخ در رخ و چهره به چهره با قهرمان نخست حماسه هومر، یعنی آخیلوس می توان به سنجش نشست. هر دو هنرمند چنان از پهلوانان خود داد سخن رانده اند که گویا می دانسته اند روز و روزگاری به تطبیق کشیده می شوند. آنچه را هومر در دید خواننده می کارد، با هیچ داس بی رحمی قابل بریدن نمی شود، بلکه آن چنان ابهت و حرمت دارد، که رهروانش جان می بازند تا به آمل و آرزوهای مادی خویش برسند و مانند قهرمان و پهلوانان با اخلاق و سیاست اندیش شاهان شاهنامه فردوسی، راه آزادی و استقلالی را پایدار و نشاندار بسازند، و یاد بگیرند، در هر هنگامه ای از زمان که کار پلشتی جلوه گر می شود، بر زشتی بتازند و بر نیکی، شادباش عرضه دارند. با گذر سال ها، از مرگ هومر یونانی، فردوسی بزرگ چنان شگفت و شگرف، به شگفت آفرینی می نشیند که سخنش رادمردان و پهلوانان هر روزگار را، به وجد می آورد؛ وجد و شوقی که از میل تازش بر دشمن بدسروش گریز در آن نمود پیدا نمی کند. پهلوانان جلوه گر می شوند تا اخلاق و سیاست پاک بماند، و با نشان دادن خصلت ها و فضایل هر یک، سنجش اخلاقی بهتر صورت گیرد. تاریخ نگاران و ادب شناسان هر دو مرز و بوم، این یک را بر آن یک رجحت می نهند. ولی، همانگونه که با مرگ تهمتن شاهنامه، زندگی، اخلاق، سیاست پایان نمی یابد، و با اصابت تیر شاهزاده تروا، بر پاشنه آخیلوس نیز، همه چیز تمام نمی شود، و راه ادامه داده می شود؛ و همچنان که از تن اسطوره، حماسه متولد می شود، از بی باکی و جسارت آخیلوس، اولیس پا به عرصه آب ها و مرزهای زندگی نو می گذارد؛ و هومر او را ده سال به

رزم روزگار می برد. در بخش اساطیری شاهنامه و ایلیداد و ادیسه هومر، آثار فراوانی از الگوهای سیاسی و اخلاقی جلوه گر می شوند.

اخلاق، پایبندی خود را به حفظ آیین ها نشان می دهد و به رهروان می آموزد که شاه - پهلوانی اسطوره ای می شود که مردم او را دوست بدارند. در شاهنامه فردوسی، پایداری در برابر استقلال کشور، پاسداری از حریم خانوادگی، فرمان پذیری از آفریدگار

یکتا و قبول فرمان خردمندان قوم، همه در اعتلای اخلاق و سیاست پاک، که در بردارنده نام نیک و عزت و احترام است، سبب اجرای عدالت و تقویت روحیه سلحشوری در برابر تهاجم بیگانه می شود. اخلاق به راستی مایه خودشناسی است که فرجام آن به خدانشناسی منتهی می گردد. پرورش روح مسئولیت پذیری، عمل به تعهد ملی و فرهنگی، حق جویی، تعالیم نجات بخش، پرورش مهر و عاطفه، دفاع از هویت و استقلال و آزادی سرزمین، ایثار، فضیلت، چیرگی بر زشتی ها در ذهن و زبان فردوسی بزرگ در شاهنامه جاری است و برتری آن از نور ایمان و معرفت در برگ برگ آن بر ایلیداد و ادیسه هومر، همچون امواج موج به پیش می رود. الگوپذیری و پاسداری از آیین و رسوم اخلاق و سیاست پاک، از ارزش های حاکم بر برگ های شاهنامه فردوسی است.

منابع و مراجع

- ۱ - رزمجو، حسین، (۱۳۶۸)، انسان آرمانی و کامل، تهران: امیرکبیر.
- ۲ - رستگار فسایی، منصور، (۱۳۸۷)، پیکرگردانی در اساطیر، تهران: اساطیر.
- ۳ - صفا، ذبیح الله، (۱۳۹۰)، حماسه سرایی در ایران، چاپ پنجم، تهران: فردوس.
- ۴ - ضیمران، محمد، (۱۳۸۹)، گذار از جهان اسطوره به فلسفه، چاپ سوم، تهران: انتشارات هرمس.
- ۵ - فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۱)، متن کامل شاهنامه فردوسی بر اساس شاهنامه چاپ مسکو، تهران: پیمان.
- ۶ - کزازی، میرجلال الدین، (۱۳۸۷)، نامه باستان، ج ۱ - ۹، تهران: سمت.
- ۷ - هومر، (۱۳۹۰)، ایلیداد و ادیسه، ترجمه سعید نفیسی، تهران: ارس.
- ۸ - خوارزمی، حمید رضا؛ صرفی، محمد رضا؛ مدبری، محمود؛ شریف پور، عنایت الله، تکوین و تحول قهرمانان در گذر اسطوره به حماسه، ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال نهم زمستان، شماره ۳۳، ۱۳۹۲.
- ۹ - صرفی، محمد رضا؛ مدبری، محمود؛ بصیری، محمد صادق؛ نیکنام، حسین میرزا، انواع ادبی در حماسه های ملی ایران، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، شماره ۴، ۱۳۸۷.